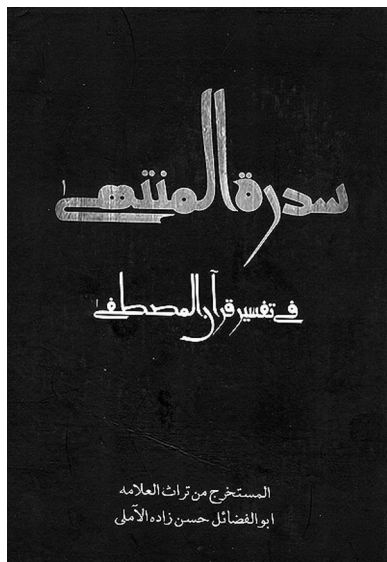


سدره المنتهی فی تفسیر قرآن المصطفی

علامه حسن حسن‌زاده آملی، سدره المنتهی فی تفسیر قرآن المصطفی، قم: انتشارات الف . لام . میم، ۱۳۸۸.

دینیّه معمول و متداول است از نصاب الصبیین و رساله عملیه فارسی آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی (چون ایشان مرجع علی الاطلاق در آن زمان بودند) و کلیات سعدی، گلستان سعدی و جامع المقدمات و شرح الفیه سیوطی و حاشیه ملا عبدالله بر تهذیب منطوق و شرح جامی بر کافیّه نحو و شمسیه در منطوق و شرح نظام در صرف، مطول در معانی و بیان و بدیع و معالم در اصول، تبصره در فقه و قوانین در اصول تا مبحث عام و خاص را در آمل که همواره از قدیم الدهر واجد رجال علم بوده، از محضر مبارک

روحانیون آن شهر حجج اسلام: محمد آقا غروی و آقا عزیرالله طبرسی و آقا شیخ احمد اعتمادی و آقا عبدالله اشراقی و آقا ابوالقاسم رجائی و غیرهم که همگی از این نشأه رخت برپسته‌اند و به ریاض قدس در جوار رحمت ربّ العالمین آرمیده‌اند، فرا گرفتند و نیز از حضرت آیه الله عزیرالله طبرسی تعلیم خط می‌گرفتند تا این‌که خود ایشان در آمل چند کتاب مقدماتی را



درباره علامه حسن حسن‌زاده آملی

علامه ذوالفتون حسن بن عبدالله طبری آملی (حفظه الله تعالی) که به «حسن‌زاده» شهرت دارند، در اواخر سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در روستای ایرای لاریجان آمل متولد و تحت مراقبت پدر و مادری بزرگوار و اهل یقین، تربیت و پرورش یافتند. در حالی که شش‌ساله بودند، به مکتب‌خانه خدمت یک معلم روحانی شرف‌یاب شدند و پیش او خواندن و نوشتن یاد گرفتند و تعدادی از جزوات متداول

در مکتب‌خانه‌های آن زمان را خواندند، تا این‌که در خردسالی تمام قرآن را به‌خوبی یاد گرفتند. پس از آن وارد دوره ابتدایی شدند. تاریخ ورود ایشان به مدرسه روحانی (حوزه علمیه) مهرماه سال ۱۳۲۳ هجری شمسی مطابق با شوال المکرم سال ۱۳۶۳ هجری قمری بود.

تحصیلات کتب ابتدائیه را که در میان طلاب علوم

تدریس می‌کردند.

پس از آن در شهریور ۱۳۲۹ هجری شمسی به تهران آمدند و چند سالی در مدرسه مبارک حاج ابوالفتح (ره) به سر بردند و باقی کتب شرح لمعه از عام و خاص قوانین تا آخر جلدین آن‌را در محضر شریف مرحوم آیت‌الله آقا سیداحمد لواسانی (رضوان الله تعالی علیه) درس خواندند.

و بعد از آن چندین سال در مدرسه مروی به سر بردند. و به ارشاد جناب آیت‌الله حاج شیخ محمد تقی آملی (قدس سره) به محضر علامه حاج میرزا ابوالحسن شعرانی طهرانی (اعلی الله مقامه) رسیدند و آن بزرگوار چون پدری مهربان، سالیانی دراز در کنف عنایتش، هم خویش را به تربیت و تعلیم ایشان مصروف داشت - به مدت ۱۳ سال - و از فنونی چند دری بروی ایشان گشود.

از منقول تمام مکاسب و رسائل شیخ انصاری (قدس سره) و جلدین کفایه آخوند خراسانی (قدس سره) و پس از آن کتاب طهارت و کتاب‌های صلوٰة و خمس و زکات و حج و ارث جواهر را به صورت درس فقه خارج استدلالی محققانه، تا این‌که مطمئن شد و باور نمود که بر استنباط فروع از اصول تواناست. آن‌گاه حضرتش را به تصدیق استنباط و قوه اجتهاد مشرف ساخت.

در آن سنوات که آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی (قدس سره) از قزوین به تهران تشریف‌فرما شدند و اقامت فرمودند به هدایت جناب استاد شعرانی به حضور شریفش تشرّف یافتند و چند سالی (۵ سال) در محضر مبارکش نیز به تحصیل علوم عقلی و نقلی و عرفانی از اسفند صدر اعظم فلاسفه و شرح علامه محمدبن حمزه مشهور به ابن فناری بر مصباح الانس صدرالدین قونوی و خارج فقه (طهارت و صلوٰة و اجاره از روی متن عروه الوثقی فقیه آقا سیدمحمدکاظم یزدی) و خارج اصول (از متن کفایة الاصول آخوند خراسانی) مشغول بودند و به «فاضل آملی» از زبان مبارک ایشان وصف می‌شدند.

در محضر درس آیت‌الله حکیم الهی قمشه‌ای نیز تمام حکمت منظومه متأله سبزواری و مبحث نفس اسفند و حدود نصف شرح خواجه بر اشارات شیخ رئیس را تلمذ نمودند. و نیز در مجلس تفسیر قرآن آن جناب خوشه‌چین بودند که همه درس‌ها

بیش از ده سال در بیت شریف حکیم متأله الهی قمشه‌ای (رضوان الله تعالی علیه) بعد از نماز مغرب و عشاء برگزار می‌شد. و نیز مدتی مدید در تهران در درس خارج فروع فقهیه و اصول علامه جناب آیه الله آشیک محمد تقی آملی شرکت فرمودند.

و هم‌چنین از اعاضی که در تهران به ادراک محضرشان بهره‌مند بودند، جناب حکیم الهی و عارف صمدانی استاد محمدحسین فاضل تونی (رحمه الله تعالی علیه) است که قسمتی از طبیعیات شفا و شرح علامه قیصری بر فصوص شیخ اکبر محی الدین عربی را نزد ایشان تلمذ نمودند. و قسمتی از طبیعیات شفا را در محضر مبارک جناب آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی (قدس سره) خوانده‌اند. و یکی از آن بزرگواران شیخ جلیل مفضال و خدوم علم و کمال و بارع در علوم عقلیه و نقلیه حاج شیخ علی محمد جولستانی (رحمه الله تعالی علیه) بود که در فراگیری لثالی منتظمه در منطق تصنیف متأله سبزواری پیش ایشان شاگردی نمودند.



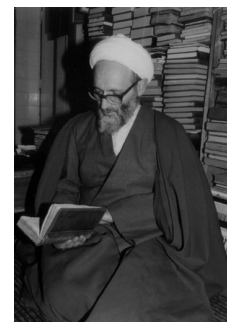
ایشان در مدت اقامت در تهران در طی سیزده سال یا بیشتر همراه با اشتغال به تحصیل علوم از آن محاضر عالیه طبق روش معهود و سیره جاریه بین علمای روحانی به تعلیم و تدریس در مدارس (حوزه علمیه) روحانی نیز اشتغال داشتند.

علامه، به مدت ۱۷ سال از محضر علامه طباطبائی (ره) بهره بردند. در خدمت ایشان کتاب‌هایی را خواندند. از جمله چیزهایی که از محضر او استفاده کردند، تحقیق در مورد شعب علم، بحث از واجب تعالی و صفات او، تفسیر آیات قرآنی و تنقیب در عقاید حقّه جعفری بوده است. نیز به مدت چهار سال یا بیشتر جهت تعلم علوم ارثماتیکی در محضر عالم وفی، حضرت آیه الله العظمی حاج سیدعلی قاضی تبریزی مشرف بوده‌اند.

فهرست آثار علامه حسن حسن زاده آملی

۱. نامه‌ها بر نامه‌ها؛ ۲. ولایت تکوینی؛ ۳. وحدت از دیدگاه عارف و حکیم؛ ۴. مشکاة القدس علی مصباح الانس؛ ۵. الهی نامه؛ ۶. انسان در عرف عرفان؛ ۷. تصحیح و تعلیق تمهید القواعد؛ ۸. تصحیح و تعلیق رساله تحفة الملوک؛ ۹. تصحیح و تعلیق شرح فصوص خوارزمی؛ ۱۰. تصحیح و تعلیق شرح فصوص

قیصری؛ ۱۱. تصحیح رساله مکاتبات؛ ۱۲. رساله نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور؛ ۱۳. رساله لقاء الله؛ ۱۴. رساله مفاتیح المخازن؛ ۱۵. رساله انه الحق؛ ۱۶. رساله ای در سیر و سلوک؛ ۱۷. شرح طائفه ای از اشعار و غزلیات حافظ؛ ۱۸. شرح فصوص الحکم؛ ۱۹. کلمه علیا در توفیقیت اسماء؛ ۲۰. قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند؛ ۲۱. عرفان و حکمت متعالیه؛ ۲۲. فص حکمة عصمتیه فی کلمة فاطمیه؛ ۲۳. نثر الداری علی نظم اللثالی؛ ۲۴. گنجینه گوهر روان؛ ۲۵. نصوص الحکم بر فصوص الحکم؛ ۲۶. معرفت نفس؛ ۲۷. مفاتیح الاسرار لسلاک الاسفار؛ ۲۸. النور المتجلی فی الظهور الظلی؛ ۲۹. النفس من کتاب الشفاء ابن سینا (تحقیق)؛ ۳۰. الالهیات من کتاب الشفاء ابن سینا (تحقیق)؛ ۳۱. الاصول الحکمیة؛ ۳۲. الحجج الباننه علی تجرد النفس الناطقه؛ ۳۳. ترجمه و تعلیق الجمع بین الرایین؛ ۳۴. ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات؛ ۳۵. تصحیح و تعلیق شرح اشارات؛ ۳۶. تصحیح و تعلیق شفا؛ ۳۷. تقدیم و تصحیح و تعلیق آغاز و انجام خواجه طوسی؛ ۳۸. تقدیم و تعلیق رساله اتحاد عاقل به معقول علامه رفیعی قزوینی؛ ۳۹. دروس اتحاد عاقل به معقول؛ ۴۰. در القلائد علی غرر الفرائد (تصحیح و تعلیق بر شرح منظومه)؛ ۴۱. جزوه من کیستم؛ ۴۲. مثل و مثال؛ توبه؛ ۴۳. تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهمدار؛ ۴۴. تقدیم و تصحیح و تعلیق کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد؛ ۴۵. رساله امامت ارساله فی الامامة (در هشت رساله عربی)؛ ۴۶. رساله حول الرویة؛ ۴۷. رساله خیر الاثر در رد جبر و قدر؛ ۴۸. قرآن هرگز تحریف نشده افضل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب؛ ۴۹. انسان و قرآن؛ ۵۰. تصحیح خلاصة المنهج ملافتح الله کاشانی؛ ۵۱. مصادر و ماخذ نهج البلاغه؛ ۵۲. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه؛ ۵۳. تصحیح نهج البلاغه؛ ۵۴. تصحیح سه کتاب ابی الجعد، نثر اللثالی، طب الائمة؛ ۵۵. تکمله منهج البرائه از جلد ۱۵ الی ۱۹ در شرح نهج البلاغه؛ ۵۶. حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی؛ ۵۷. رساله ای در اربعین؛ ۵۸. شرح چهل حدیث در معرفت نفس؛ ۵۹. ۶۰. اضبط المقال فی ضبط اسماء الرجال؛ ۶۱. وجیزه ای در ترجمه و شرح زندگانی



علامه طباطبائی؛ ۶۲. وجیزه ای در مناسک حج (در ده رساله فارسی)؛ ۶۳. تعلیقات علی العروة الوثقی؛ ۶۴. القطب و المنطقه؛ ۶۵. استخراج جداول تقویم؛ ۶۶. استیعاب الوجوه الممكنه فی صنعة الاصللاب؛ ۶۷. تعلیق الدر المکنون و الجوهر المصون؛ ۶۸. تصحیح و تعلیق اکرامنا لاوس؛ ۶۹. تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی بطلمیوس به تحریر خواجه طوسی؛ ۷۰. تصحیح و تعلیق تحریر مساکن ثاوذوسیوس؛ ۷۱. تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس؛ ۷۲. تصحیح و تعلیق تحریر اکر ثاوذوسیوس؛ ۷۳. تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر بیست باب؛ ۷۴. تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الخ بیک. ۷۵. تصحیح و تعلیق شرح چغمینی؛ ۷۶. تعلیقه بر رساله قبله مولی مظفر؛ ۷۷. دروس هیئت و دیگر رشته های ریاضی؛ ۷۸. دروس معرفة الوقت و القبلة؛ ۷۹. دروس معرفت اوفاق؛ ۸۰. رساله تعیین سمت قبله مدینه؛ ۸۱. شرح زیج بهادری؛ ۸۲. شرح قصیده کنوز الاسماء؛ ۸۳. مصادر اشعار دیوان منسوب به امیرالمومنین (ع)؛ ۸۴. امثال طبری؛ ۸۵. تصحیح و اعراب اصول کافی؛ ۸۶. تصحیح گلستان سعدی؛ ۸۷. تصحیح کلیله و دمنه؛ ۸۸. تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصبیان؛ ۸۹. تعلیقه بر باب توحید حدیقة الحقیقة؛ ۹۰. تعلیقه بر قسمت معانی مطول؛ ۹۱. دیوان اشعار؛ ۹۲. قصیده ینوع الحیوة (ضمیمه در رساله جعل)؛ ۹۳. مجموعه مقالات؛ ۹۴. هزار و یک نکته در شش جلد؛ ۹۵. هشت رساله عربی؛ ۹۶. تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن؛ ۹۷. ده رساله فارسی؛ ۹۸. یازده رساله فارسی؛ ۹۹. در آسمان معرفت؛ ۱۰۰. کشیکل؛ ۱۰۱. نهج الولاية؛ ۱۰۲. طب و طبیب و تشریح؛ ۱۰۳. صد کلمه در معرفت نفس؛ ۱۰۴. صحیفه زمردین در سخنان سیدالساجدین؛ ۱۰۵. ادله ای بر حرکت جوهری.

درباره کتاب سدره المنتهی فی تفسیر قرآن المصطفی

کتاب حاضر، اولین تفسیری است که از علامه حسن زاده آملی به چاپ می رسد. گفتنی است از آنجا که غالب آثار مؤلف مشحون از تفسیر آیات قرآن است، برخی از شاگردان ایشان درصدد جمع آوری این تفاسیر و تدوین آنها در قالب کتابی مستقل با عنوان سدره المنتهی برآمده اند. روش این اثر بدین صورت است که در ابتدا سوره های قرآن

را به ترتیب کنار هم قرار داده و سپس مباحث تفسیری مؤلف را که از سایر آثار ایشان جمع‌آوری گردیده، ذیل هر سوره آورده‌اند. این کتاب در چند مجلد به محضر خوانندگان عرضه خواهد شد که این اثر، جلد اول این مجموعه را شامل می‌شود. در این جلد برخی از آیات چهار سوره مبارکه فاتحه، بقره، آل عمران و نساء تفسیر شده‌اند.

ابتدا سوره مبارکه حمد تفسیر می‌شود. برخی از عناوینی که در ذیل سوره حمد بررسی می‌شوند، عبارتند از: نزول بسم الله الرحمن الرحیم؛ بسم الله الرحمن الرحیم نوزده حرف است؛ خلوت و قرائت بسم الله الرحمن الرحیم به عدد قوای آن؛ اولین نوشته بر لوح محفوظ و غیره.

در این بخش آمده: «در این موضوع که همه «بسم الله الرحمن الرحیم»های غیر از سوره فاتحه در «بسم الله الرحمن الرحیم» سوره فاتحه مندرج‌اند، شیخ اکبر محیی الدین طائی در آخر باب هفتاد و سوم فتوحات مکیه در سؤال صد و پنجاه و چهارم گوید: و بهره اولیاء از بسمله همان است که خداوند آنان را آگاه گردانید بر آن از علم حروف و اسماء و آن علم اولیاء است که تعلیم می‌گیرند آن چه را که خداوند در حروف و اسماء از خواص عجیبی که اشیاء از آنها منفعلی می‌شوند به امانت نهاده است... تا این که گفت: پس از مردم کسی است که همه آن چه که در بسم الله است به او داده شده که برای او مقام همه اشیاء قیام می‌کند و بسم الله از این بنده به منزله «کن» نازل می‌شود و این بسمله آیه‌ای از سوره فاتحه است که از این آیه سوره فاتحه برمی‌آید، نه بسمله‌های سوره‌های دیگر و اکثر مردم از این امر بی‌خبرند. پس بسمله‌های که از آن همه کائنات منفعلی می‌شوند، به نحو اطلاق همان بسمله فاتحه است و اما بسمله دیگر سوره‌ها برای امور خاصی می‌باشند.

در این عبارت شیخ به چند مطلب بسیار اساسی اشارتی شده است: یکی به مقام شامخ علم حروف که علم اولیاء است و حروف را خواص شگفت است و دیگر مقام کن عارف بالله است و دیگر این که بسمله؛ یعنی «بسم الله الرحمن الرحیم» فاتحه کتاب فوق بسمله‌های سایر سوره است».

یکی از مباحث مهمی که البته به اجمال در این سوره مطرح می‌شود، «حقیقت انسانی» است. مؤلف در این باره می‌نویسد: حقیقت انسانی به اعتبار ربوبیتش برای بدن به عنوان

«روح» نامیده می‌شود، چون که روح مظهر ذات الهی از حیث ربوبیت آن ذات است، و کلمه إله و ألوهت، و الله معنایش همان رب و ربوبیت است که «الحمد لله رب العالمین» و روح انسانی همان روح اعظم نسبت به غیر آن از دارایی‌های ارواح است، و تغایر بین روح و بین بدنش به ضریبی از اعتبار است.

سوره مبارکه بقره با عنوان «در اسرار حروف مقطعه» آغاز می‌شود. سپس به بحثی درباره «الف»، «علم و یقین» و «عدم تناهی کلمات وجودیه» می‌پردازد. در ذیل آیه ۳۱ از سوره بقره به مباحث مربوط به انسان کامل، خلیفه الله و ملائکه پرداخته می‌شود. درباره این که خلیفه الله جامع جمیع

أسماء است می‌نویسد در آیه مبارکه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»، به لحاظ تعدد اسماء الهیه و اتصاف خلیفه به صفات مستخلف عنه، و جوب استمرار وجود انسان کامل در زمین تمام است که پیوسته در افراد نوع انسان، فرد اکمل از جمیع افراد کائنات در جمیع اسماء و صفات جمالی و جلالی موجود است تا نماینده حضرت اله باشد.

برخی دیگر از عناوینی که در سوره بقره بررسی می‌شوند از این

قرار است: حدیث اشتقاق، اثبات عقول، فقرزایی و استکمال، قرآن و عرفان و برهان از یکدیگر جدا نیستند، عروج و ارتقای انسان به مقام عقل، مصداق تام اسماء تکوینی و تعلیمی، تعلیم اسماء، مقام محمود، مراتب معراج، مراد از تعلیم اسماء، سرگذشت انبیاء در سر انسان، توبه عبده، مرگ طبیعی و مرگ اختیاری، قرب نوافق و قرب فرائض، تناسب بین علم و وعای آن و...

در عنوان «بدن اخروی مکسوب و مکتسب است» چنین می‌خوانیم که انسان منحرف مطابق ملکات زشتی که اکتساب کرده است در قیامت با صوری که از آن ملکات می‌باشند، محشور می‌گردد و به صورت‌های آن حیوانات در می‌آید، چنان که انسان در صراط مستقیم نیز از ملکات حسنه‌ای که کسب کرده است، صور ارواح طیبه و ملائکه عالین و سیماهای شیرین دلنشین در صقع ذات او متحقق می‌گردند و با آنها محشور خواهد بود، لذا



بدن اخروی به مکسوب و مکتسب تقسیم می‌گردد که «لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت» و این ابدان را انسان با خود از این نشئه می‌برد؛ یعنی بذر و ریشه آن‌ها در این‌جا تحصیل شده است.

در سوره مبارکه آل عمران، قوه مصوره، اعتدال مزاج، راسخون در علم، فیوضات عالم قدس، اتحاد علم و وجود و نور، اثبات توحید، اسرار روایات، ملکات صور برزخیه، تجلی حق در صور کونیّه، تمثالات نفس ناطقه، ضعف وجودیه، شأن رسولان حق، اتحاد مدرک با مدرک، اوصاف عرش و غیره مورد بحث قرار می‌گیرند. نویسنده در بخشی از تفسیر آیه ۱۲۵، درباره اتحاد انسان کامل با نفس رحمانی توضیح می‌دهد که انسان صعوداً به مقامی می‌رسد که با نفس رحمانی اتحاد وجودی پیدا می‌کند و جمیع کلمات وجودیه نوریّه دار هستی به منزله اعضاء و جوارح وی می‌شوند.

سپس اضافه می‌کند که در اتحاد نفوس مکتفیه و نفس رحمانی و عقل بسیط در صحف کریمه اهل تحقیق محقق است که صادر نخستین، نفس رحمانی است و آن اصل اصول و هیولای عوالم غیرمتناهی و ماده تعینات است و از آن به تجلی ساری و رقّ منشور و نور مرشوش نیز تعبیر شده است.

آخرین بخش کتاب، متعلق به تفسیر سوره نساء است.



تفسیر این سوره با بحثی پیرامون تقوا آغاز می‌شود و سپس به عناوین تجسم اعمال، وجود بسیط، کفو، حسنه و سیئه، شرّ، قبض روح، اسم اعظم محیط، ادبار عقل، تعین احاطی، نفس رحمانی و غیره پرداخته می‌شود. مؤلف درباره ادبار عقل می‌نویسد ادبار عقل که نسبت با ماندگی و روی به سوی خود آوردن ممکن است، منبع جمیع شرّ است و ارتکاب نواهی از این روی است و سرّ آن این است که ممکن موجود مؤلف است در عقل از دو چیز، یکی ماهیت او که عدم و منبع شرّ است، و یکی وجود که منبع خیر است، اکنون در این وقت چون روی به فاعل آورد جهت خیرش می‌افزاید و شرّش مغلوب می‌شود، و چون به خود باز گردد جهت عدمیت و شرّش فزون می‌گردد و خیرش مغلوب می‌گردد، و اشارت بدین دو جهت در کلام مجید آمده که: «ما أصابک من حسنة فمن الله و ما أصابک من سيئة فمن نفسك». از دیگر مباحث مطروحه در تفسیر سوره نساء می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: نظم و ترتیب سوره، نحوه نام‌گذاری فصوص الحکم، اصل انتساب خیر و شرّ، اطاعت از اولی الامر، مرز انسان و حیوان، مناسبت عمل و جزا، کان صرف وجودیه و غیره...

ویژگی مهم و بارز این تفسیر، صبغه باطنی و عرفانی آن است، به این معنا که بیشتر ناظر به رمزگشایی از بواطن آیات و مبتنی بر مبانی فلسفی و عرفانی است.

